

حجاب در قرآن

<?xml encoding="UTF-8?">

اشاره

در قسمت نخست این مقال، پس از تفسیر آیات 30 و 31 سوره نور، به تفصیل پیرامون مساله نگاه، پوشش و ادله وجوب پوشش وجه و کفین بحث کردیم. اینک ادامه مقاله را پی می گیریم.

ادله قائلین به وجوب پوشش صورت و دستها

"انما للنساء عی عورات" (1) "والمرأة كلها عورة" زن یا تمام بدن زن عورة است و زن تشبه به عورة شده است. (2) و از روشنترین خواص مشبه به پوشیده بودن و لزوم پوشاندن آن است. لذا زن باید تمام بدن خود وازآن جمله صورت و دست خود را بپوشاند.

مرحوم آیه الله بروجردی - رضوان الله علیه - می فرماید : «المرأة عورة والمفهوم منه عند العرف المتشرعه وجوب ستر جميع البدن لان وجوب الستر من اظهر خواص المشبه و آثاره ... و قد استدل القائلون بوجوب ستر الوجه والكفين بالرواية بناء على ان يكون المراد بالعورة هي السواه و يكون حملها على المراه من باب التشبيه البليغ الذي يكون اداة التشبيه فيه مخدوف ... حتى كان الاول من افراد الثاني و مصاديقه و كان اظهر خواص العوره هو قبج اظهارها عرفا و شرعا و وجوب سترها ... يعلم ثبوت هذا الامر في المرأة (3) جواب : اولاً، دلالت این گونه روایات که می فرماید : زن عورة است، این است که زن نباید زیاد ظاهر شود و بهتر است بیشتر در خانه بماند کما این که ذیل روایت دارد که "فداووا عیهن بالسکوت و عوراتهن بالبیوت" (4) و حتی زن اگر کاملاً هم پوشیده باشد، باز عورة است نه این که اگر برهنه بود، عورة است و پوشیده شود.

مرحوم آیت الله بروجردی - رضوان الله علیه - می فرماید : «ويحتمل ان يكون المراد من العوره ماهو معناها بحيث اللغه و هو كل شىء يستره الانسان للاستحياء من ظهوره لكونه قبيحا و يكون المراد من الروايه ان المراه شىء يستحى من ظهورها لاختفافها بالاعمال القبيحه والافعال الممنوعه التي لاينبغي صدوره منها و يؤيده ما رواه عن النبي صلى الله عليه وآله قال : النساء عی و عورة فداووا عیهن بالسکوت و عوراتهن بالبیوت (5) فان حفظ عوراتهن بالبیوت يدل على كون ظهورها ولو مع سترها بالثياب معرضا لصدور الافعال القبيحه فحمل العورة على المرأة باعتبار ذلك الاعمال و الافعال والا فانفس المرأة ليست متى يستحى منها ... (6)

و ثانياً، اصلاً روایت، در صدد بیان کمیت و کیفیت پوشش نیست تا این که برای وجوب پوشش وجه و کفین، به آن استدلال شود. نهایت دلالت، این است که زن، پوشیده باشد، ولی مقدار آن را بیان نمی کند.

دلیل پنجم : روایاتی است که بر جواز نظر به صورت و دست زن، وقتی که قصد ازدواج دارد، دلالت دارند. مفهوم روایات، این است که اگر قصد ازدواج ندارد نگاه کردن، حرام است. همچنین روایاتی که دلالت دارند بر جواز نگاه به زنان اهل ذمه؛ زیرا آنها احترامی ندارند پس نباید به زنان مسلمان که احترام دارند، نگاه کرد و وقتی که نگاه،

حرام شد، بر زن واجب است که صورت و دست خود را بپوشاند.

جواب : اولاً، جواز نگاه برای خواستگار، فقط به صورت و دستها نیست، بلکه در روایات، مقدار بیشتری را اجازه داده اند و همچنین درباره اهل ذمه، اجازه داده اند که حتی به موهای آنها نگاه شود و این، غیر از خصوص صورت و دستها است.

ثانیاً، اگر نگاه هم حرام باشد این، دلیل بر وجوب پوشش نمی شود؛ زیرا ملازمه ای بین حرمت نگاه و وجوب پوشش نیست، که برای زن حرام است که به مردان نگاه کند ولی برای مردان وجوب و پوشش نیست.

دلیل ششم : صحیحه فضیل است : عن الفضیل قال : «سالت ابا عبد الله عليه السلام عن الذراعین من المرأة هما من الزينة التي قال الله عزوجل : ولا یبدین زینتهن الا لبعولتهن، قال : نعم و مادون الخمار من الزينة و مادون السوارین» حضرت علیه السلام فرمودند که : آنچه پایین روسری و انگو می باشد، از زینتهایی است که باید پوشیده باشد و ملحق به ذراعین است و آنچه پایین روسری است، صورت و آنچه که پایین انگو می باشد، کف دست است.

مرحوم آیه الله خویی - رحمه الله علیه - روایت را به این صورت معنا کرده اند و آن را دلیل بر وجوب پوشش وجه و کفین گرفته اند : « ... فان الظاهر ان المراد بمادون الخمار هو ما یعم الوجه ایضالانه مما یكون على الراس فیکون الوجه مما هو دونه لامحاله و لامبرر لملاحظه الخمار من اسفله اعنی ما یكون على الزن کی یقال ان ما دونه هو الرقبه خاصة بل مادونه الوجه فما دون، کما ان الظاهر بل الواضح ان المراد بمادون السوارین هو ما یكون دونها الى اطراف الاصابع» (7)

جواب : اولاً، احتمالاً منظور روایت، این است که : آن چه زیر خمار می باشد که موهای سراسر است و آنچه زیر انگو و بالای آن می باشد، شامل مچ دست به بالا می شود. محدث بزرگوار، مرحوم فیض کاشانی و مرحوم مجلسی - رحمهما الله - نیز روایت را به این صورت معنا کرده اند : «ما دون الخمار، یعنی مایستره الخمار من الراس والرقبه و هو ما سوى الوجه منهما و مادون السوارین، یعنی الیدین وهو ما عدا الکفین منها». (8)

آیت الله شهید، مطهری - رحمه الله - نیز چنین معنا کرده اند. (9) در نتیجه، این روایت، دلیلی بر وجوب پوشش صورت و دستها نمی شود، بلکه دلیل بر جواز خواهد بود.

دلیل هفتم : صحیحه محمد بن الحسن الصفار ... فوقع علیه السلام «تتنقب و تظهر للشهود ان شاء الله» (10) در جواب نامه و سؤال، امام علیه السلام نوشتند که زن باید نقاب بزند و در مقابل شهود، حاضر شود. این روایت، دلالت می کند بر این که زن باید صورت خود را بپوشاند. «فان امره علیه السلام بالتتنقب ... يدل على عدم جواز النظر الى وجه المرأة في حد نفسه». (11)

جواب : اولاً، حکم، مخصوص مقام شهادت است و سرایت آن به همه موارد، نیاز به قرینه دارد.

ثانیاً، نقاب نیز همه صورت را نمی پوشاند، بلکه مقداری از صورت، آشکار خواهد بود.

ثالثاً، روایت، در مقام بیان جواز نظر و عدم جواز است نه در مقام بیان حکم پوشش.

دلیل هشتم : روایاتی است که دلالت دارند بر این که نگاه، تیری از تیرهای شیطان است و نگاه، زنای چشم است. در نتیجه، نباید نگاه کرد و زن هم باید صورت و دست خود را بپوشاند. (12)

جواب : اولاً، این یک بحث اخلاقی است و حکم فقهی نیست؛ ثانیاً، منظور از این نگاه، نگاه همراه بالذت و

شهوترانی است و ثالثاً، مربوط به نگاه است و اگر هم نگاه حرام باشد، لازمه اش وجوب پوشش نیست.

مرحوم آیت الله خویی - رحمه الله - می فرمایند : «لكن الظاهر ان هذه الطایفه مما لا یصح الاستدلال بها» (13)

و رابعا، درخصوص صورت و دستپاها نیست، بلکه مربوط به کل بدن است.

دلیل نهم : آیه جلاب «یدنین علیهن من جلابیهن؛ روسریهای خود را به خویش نزدیک سازند» عده ای از مفسرین فرموده اند : منظور این است که صورت خود را به وسیله جلاب بپوشانند. زمخشری می گوید : «یدنین، یرخینها علیهن و یغطین بها وجوههن واعطاقهن» (14) و مرحوم فیض کاشانی در تفسیر صافی نیز چنین فرموده است.

جواب : اولاً، آیه کم و کیف پوشش را بیان نمی کند و ثانیاً، در مقابل، عده ای از مفسرین بزرگ، مثل مرحوم طبرسی و علامه طباطبائی - رحمهما الله - فرموده اند : منظور، پوشاندن گردن و سینه است : «یاایهاالنبی ... یدنین ... ای قل لهؤلاء فلیسترن موضع الجیب بالجلاب» (15) «ای یتسترن بها فلا تظهر جیوبهن و صدورهن للناظرین» (16)

دلیل دهم : ملاک است. عده ای فرموده اند که همان ملاکی که در پوشش سر، سینه، و گردن و کل بدن زن هست که تحریک و فتنه انگیزی است، همان ملاک، بلکه بیشتر و قویتری در صورت زن نیز هست؛ چون که صورت، محل زیبایی زن است، پس زن باید صورت را بپوشاند.

جواب : کسی نمی گوید که ملاک حجاب و پوشش، در دست و صورت نیست، بلکه علت دیگری باعث شده که پوشش از صورت و دستها، آن هم در صورتی که خوف و نگاه شهوانی واز روی لذت نباشد، استثنا شود و آن علت، حرج است؛ یعنی اگر زن بخواهد صورت را هم بپوشاند، در زندگی، حرج پیش می آید.

دلیل یازدهم : روایت خثعمه است. در این روایت حضرت، صورت فضل بن عباس را برگرداندند که به صورت خثعمه نگاه نکند، این امر دلیل بر حرمت نگاه و وجوب پوشش صورت است.

جواب : اولاً، اگر پوشش صورت واجب بود چرا حضرت، خثعمه را نهی نکردند که صورت خود را بپوشاند؟ ثانیاً، ظاهراً خود حضرت به صورت او نگاه می کردند که فهمیدند او و فضل به یکدیگر نگاه می کنند.

ثالثاً، نگاه فضل و خثعمه، ظاهراً از روی شهوترانی بوده که مسلماً حرام است و بالاخره، دلالت این روایت بر عدم وجوب پوشش صورت، بیشتر است تا دلالتش بر وجوب پوشش؛ همان طوری که آیت الله حکیم و شهید در مسالک و شیخ انصاری، در رساله نکاح فرموده اند.

شهید می فرماید : «و حدیث الخثعمه بدل علی الجواز لاعلی التحريم لانه صلی الله علیه وآله لم ینهما عن النظر اولا و لاصرفهما عنه وانما صرفه عنها وعلله من الخوف وقوع الفتنة مع ان صرفه لوجه اعم من کونه علی وجه الوجوب فلایدل علیه و یؤیدکونه لیس علی وجه الوجوب عدم نهیه صلی الله علیه وآله لهما عن ذلک باللفظ» (17)

دلیل دوازدهم : عده ای برای پوشش صورت، به سیره متشرعه، تمسک کرده اند که از صدر اسلام، همیشه زنها صورت خود را می پوشاندند.

جواب : اولاً، ثبوت چنین سیره ای معلوم نیست.

ثانیاً، در مقابل قائلین به عدم وجوب پوشش صورت و دستها، ادعای سیره کردن معارض است.

ثالثاً، اگر چنین سیره ای باشد، دلالت بر جواز پوشش صورت دارد، نه بر وجوب اصل پوشش. شهید - رضوان الله تعالی علیه - می فرماید : «... دعوی اتفاق المسلمین علیه معارض بمثله ولو تحم لم یلزم منه تحريم هذا المقدار لجواز استناد منعهن الی المروه والغیره بل هو الاظهر او علی وجه الافضلیه اذ لاشک فیها» (18)

ادله عدم وجوب پوشش صورت و دستها

پس از بیان ادله قائلین به وجوب پوشش صورت و دستها به بیان ادله عدم وجوب پوشش صورت و دستها، می پردازیم. برای اثبات عدم وجوب، احتیاج به استدلال و اقامه دلیل نداریم؛ زیرا که در مقام شک هم باشیم، اصالة البرائه، حکم به عدم وجوب می کند.

مرحوم آیت الله خویی - رضوان الله علیه - می فرمایند: «... لاحاجه فی القول بالجواز الی شیء منها اذا لم تتم ادله القول بالمنع لان مقتضى اصاله البرائه هو الجواز» (19) البته اگر کسی معتقد شد که پوشاندن صورت و دستها واجب نیست، معنایش این نیست که پوشاندن، حرام است (20)، بلکه معنایش این است که پوشش، لازم و واجب نیست و البته شبهه ای نیست که پوشاندن بهتر است و در عین حال، برای عدم وجوب پوشش، ادله ای از آیات و روایات آورده اند.

دلیل اول: «ولاییدین زینتهن الاماظهرمنها؛ زنها زینتهای خود را آشکار نکنند مگر آن زینتی را که به خودی خود، ظاهر است.»

برای اثبات عدم وجوب پوشش صورت و دستها به وسیله این آیه، باید چند موضوع، قبلاً روشن شود:

1- منظور از زینت، در این آیه، مواضع زینت است نه خود زینت؛ زیرا که مسلماً نه پوشاندن خود زینت، به خودی خود، واجب است و نه آشکار کردن آن حرام، بلکه اگر زینت در بدن زن بود باید مخفی شود؛ زیرا اگر در بدن بود، لازمه آشکار کردن زینت، آشکار کردن بدن و لازمه پوشاندن زینت، پوشاندن بدن و مواضع زینت است. زمخشری در کشاف می گوید: «وذكر الزينة دون مواقعها للمبالغة في الامر بالتصون والتستر لان هذه الزين واقعه على مواضع من الجسد لا يحل النظر اليها» (21) مرحوم طبرسی - رحمه الله - می فرماید: «... لا يظهرون مواضع الزينة» (22) و مرحوم، علامه طباطبایی - رضوان الله تعالی علیه - می فرماید: «... والمراد بزینتهن مواضع الزينة لان نفس ما يتزين به كالفرط والسوار لا يحرم ابداءوها فالمراد بابداء الزينة ابداء مواضعها من البدن» (23) و مرحوم طبرسی می فرماید: «ففيها ثلاثة اقاويل احدها ان الظاهره الثياب، والباطنه الخلخالات والقرطان والسواران عن ابن مسعود. ثانيها ان الظاهره الكحل والخاتم والخذان والخصاب في الكف عن ابن عباس والكحل والسوار والخاتم عن قتاده. وثالثها انها الوجه والكفان عن الضحاک وعطاء والوجه والنبان عن الحسن (24)» و صاحب الميزان می فرماید: «وقد استثنى الله سبحانه منها مظهر وقد وردت الرواية ان المراد بمظهر منها الوجه والكفان والقدمان.» (25)

و منظور از آنچه که در روایات آمده است، یعنی کحل (سرمه) و خاتم (انگشتر) و سوار (انگو) مواضع آنهاست که همان صورت و دستهاست، نه خود آنها. در نتیجه، ظاهراً آیه کریمه به زنها امر می کند که تمام بدن خود را بپوشانند مگر صورت و دستها را.

2- استثنای «الاماظهر منها» متصل است، به قرینه «منها» ضمیر به قبل برمی گردد و معلوم می شود که زینت استثنا شده، از همان جنس قبلی است و اصل در استثنا هم متصل بودن است و منقطع بودن، خلاف اصل و ظاهر است و احتیاج به قرینه دارد. در نتیجه، اگر بخواهیم قول ابن مسعود را در «الاماظهر» قبول کنیم که مراد لباس است، باید استثنا را منقطع بگیریم.

3- «الاماظهر منها» اگر مواضع زینت و در نتیجه، مقداری از بدن را از حکم وجوب پوشش، استثنا می کند کدام عضو است و چه مقدار؟ در این مورد، ابتدا چند قول بزرگان راملاحظه می کنیم.

1- روایت ابی الجارود: «الاماظهر منها فیه الثياب والكحل والخاتم وخصاب الكف والسوار»

2- روایت زرارہ: «الاماظهر منها قال الكحل والخاتم»

3- روایت ابی بصیر : «الاما ظهر منها قال الخاتم والمسكه»

4- روایت ابن عباس : «رقعه الوجه وباطن الكف»

5- شیخ طوسی : «اجمعوا ان الوجه والكفان ليسا بعورة لجواز اطهارها في الصلاة والاحوط قول ابن مسعود والحسن بصري» (26)

دلیل دوم : «ولیضربن یخمرهن علی جبوبهن؛ باید با اضافه روسری، گردن و سینه خود را ببندند» آیه قرآن صراحت دارد که پوشاندن گریبان لازم است و چون آیه در مقام بیان حد پوشش است : «ولایبیدن زینتهن الا مظهر منها» و ممکن است که بعدا این شبهه پیش آید که گریبان هم جزء استثنا - الاماظهر - است؛ چون گریبان را نمی پوشاندند، آیه تاکید می کند که «ولیضربن یخمرهن علی جبوبهن» و اگر صورت هم جزو محدوده لزوم و وجوب پوشش بود بیان می شد. علاوه بر این که معمولا به وسیله خمار و روسری، صورت را نمی پوشانند. مرحوم آیت الله حکیم می فرماید : «ولیضربن یخمرهن علی جبوبهن، مشعر باختصاص الحكم بالجبوب فلا یعم الوجه» (27)

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید : «... ولیلقین باطراف مقانعهن علی صدورهن لیسترنها» (28) و مرحوم طبرسی می فرماید : «امرنا بالقاء المقانع علی صدورهن تغطية لنحوهن ... قال ابن عباس تغطي شعرها و صدرها و ترائبها و سوافها» (29)

دلیل سوم : روایاتی که بر عدم لزوم پوشش صورت و دستها دلالت می کنند؛ مثل : 1- روایت مسعدة بن زیاد «قال : سمعت جعفر علیه السلام و سئل عما تظهر المراه من زینتها، قال : الوجه والكفین» (30) از حضرت در باره مقداری که زن می تواند آن را ظاهر کند سؤال شد، حضرت فرمودند : صورت و دستها. این روایت، هر چند از نظر دلالت صریح است در عدم لزوم پوشش صورت و دستها، اما در سند آن اشکال شده است و مرحوم آیت الله حکیم به آن جواب داده اند : «قید هارون بن مسلم و مسعدة و كلاهما ثقه كما عن الیخاشی» (31)

2- روایت فضیل «قال : سالت ابا عبد الله علیه السلام عن الذراعین من المرأة همامن الزینه التي قال الله عزوجل ولایبیدن زینتهن الا لبعولتهن، قال : نعم و مادون الخمار من الزینه و مادون السوارین» (32) از حضرت، در باره ذراعین - از مچ دست تا آرنج سؤال کردم که آیا از زینتهایی است که زن نباید آشکار کند مگر برای شوهر ... ، حضرت فرمودند : بله و آنچه زیر روسری است - موهای سروگردن - و آنچه که بالای النگو است یا زیر النگو است که مچ دست باشد نیز از همان زینتهاست و چون حضرت، صورت و دستها را نفرمودند، معلوم می شود که صورت و دست از این زینتهانیست، بلکه جزواستثنای - الاماظهر منها - است. سند این روایت هم خوب است.

3- روایة ابی الجارد : عن ابن جعفر علیه السلام فی قوله تعالی «ولایبیدن زینتهن الا مظهر منها» فهی الثیاب والکحل والخاتم و خضاب الکف والسوار والزینه ثلاث زینة للناس و زینة للمحرم و زینة للزوج فاما زینة الناس فقد ذکرناه» (33) حضرت علیه السلام در بیان استثنای «الاماظهر منها» می فرمایند که آنچه استثنا شده : لباس، سرمه، انگشتر و حنای دست و النگو می باشد. بعدا می فرمایند : زینت سه قسم است : یکی برای مردم، یکی برای محارم و یکی برای زوج. بعد می فرمایند : زینت مردم همان است که ذکر کردم؛ یعنی همان مفاد استثنا. درنتیجه، صورت و دست استثنا شده اند. 4- عن ابی حمزه الثمالی عن ابی جعفر علیه السلام قال : «سالته عن المرأة المسلمة یصیبها البلاد فی جسدها اما کسر واما جرح فی مکان لا یصلح النظر الیه ...» (34)

از امام علیه السلام سؤال می کند که شکستگی یا زخم در محلی از بدن زن است که نمی توان به آن محل نگاه کرد، چه باید کرد؟ مفهوم این کلمات این است که در بدن زن محلی است که می توان به آن نگاه کرد و محلی

است که نمی توان به آن نگاه کرد والا «فیه فی مکان لا یصلح النظر الیه» زاید و بی جاست و آن هم از مثل ابی حمزه ثمالی بعید است. 5 - روایت عایشه : «ان اسماء بنت ابی ابکر دخلت علی النبی صلی الله علیه و آله و علیها ثیاب رقاق فاعرض عنها و قال : یا اسماء، ان المرأة اذا بلغت المحيض لم یصلح ان یری منها الا هذا و اشارہ الی وجهه و کفه صلی الله علیه و آله» (35) حضرت، به اسماء فرمودند : بدن زن بالغ نباید دیده شود مگر صورت و دستهایش. روایت، صریح در عدم لزوم پوشش صورت و دست است.

7و6- روایت سلمان و جابر ابن عبداللہ الانصاری است که ظاهرا به دست و صورت حضرت زهراء سلام الله علیهانگاه کردند.

دلیل چهارم : روایاتی که بر جواز نگاه کردن به صورت و دست زن دلالت می کنند که بالملازمه، عدم لزوم پوشش صورت برای زن را می رسانند؛ چون اگر نگاه کردن جایز باشد، معلوم می شود که پوشش نیز واجب نیست : 1- عن مروک بن عبید عن بعض اصحابنا عن ابی عبداللہ علیہ السلام «قال : قلت له ما یحل للرجل ان یری من المرأة اذا لم یکن محرما؟ قال : الوجه و الکفان و القدمان» (36) حضرت می فرمایند : مرد می تواند به صورت و دوکف دست و قدمهای زنان نامحرم نگاه کند.

عده ای از نظر سند به روایت اشکال کرده اند، ولی مرحوم آیت الله حکیم - رضوان الله علیه - جواب داده اند که : «فیه مروک الذی قبل فیه انه شیخ صدوق وارساله ربمالایهم» (37)

2- خبر علی ابن جعفر عن الرجل ما یصلح ان ینظر من المرأة التي لا تحل له قال علیہ السلام : «الوجه و الکفان و موضع السوار» (38) سؤال می کند از مقداری که مرد می توان به زن نگاه کند؛ حضرت می فرمایند : صورت و دوکف دست و محل النگو. البته، فقها احتمال داده اند که منظور از «المرأة التي لا تحل له» عدم حلّیت ازدواج باشد و در نتیجه، نگاه کردن به محارم اشکالی ندارد و ممکن است که منظور از «لا تحل له» عدم نگاه کردن، یعنی نامحرم باشد؛ به عبارت دیگر، منظور «لا تحل له النظر الیها» باشد. به سند این روایت هم اشکال کرده اند که مرحوم آیت الله حکیم جواب داده اند که «خبر علی بن جعفر صحیح کما فی المستند» (39)

3- عن علی بن سوید قال : قلت لابی الحسن علیہ السلام انی مبتلی بالنظر الی المرأة الجمیلة فیعجبنی النظر الیهها فقال : یا علی لا بأس اذا عرف الله من نیتک الصدق و ایاک و الزنا فانه یمحق البرکة و یهلك الدین. (40) هرچند که در روایت، صورت و دست بیان نشده ولی از سیاق آن معلوم است که حداقل به صورت نگاه می کرده است والا معنا ندارد که بگوید : «انی مبتلی بالنظر الی المراه الجمیلة» و ظاهرا مراد از «اذا عرف الله من نیتک الصدق» این است که اگر نگاه از روی شهوت نباشد و خوف زنا و فتنه نباشد، اشکالی ندارد.

4- عن مفضل بن عمر قال : قلت لابی عبداللہ علیہ السلام جعلت فداک، ماتقول فی المرأة ... قال : ولاتمس ولا یکشف لهاشیء من محاسنها التي امر الله بسترها؛ قلت : فکیف یصنع بها؟ قال : یغسل بطن کفیها ثم یغسل وجهها ثم یغسل ظهر کفیها. (41)

از حضرت در باره زنی که در مسافرت به تنهایی همراه مردان نامحرم است و می میرد، سؤال می کند که چگونه این زن را غسل بدهند. حضرت می فرمایند : مواضع تیمم را غسل دهند و محاسن و مواضعی را که خداوند دستور داده که پوشیده باشد، باز نکنند و دست نکنند. سؤال می کند که پس چکار کنند؟ حضرت می فرمایند : پشت دست، بعد صورت و بعد، ظاهر دست را غسل دهند. معلوم می شود که این مواضع، جزو مواضعی نیست که خداوند امر کرده است پوشیده باشند و جزو محاسن نیست؛ چون حضرت اولاً فرمودند : مواضعی را که خداوند امر کرده پوشیده باشد، باز نکنند و بعد فرمودند : دست و صورت را غسل دهند.

5- روایت بعدی درباره مردی است که بین زنان مرده است. حضرت می فرمایند : «بل یحل لهن ان یمسسن ماکان یحل لهن ان ینظرن منه الیه و هو حی» (42) البته بنابراین که در این حکم فرقی بین مرد و زن نباشد.

دلیل پنجم : روایات زیادی است که حکم عده ای را استثنا کرده است، ولی آنچه استثنا شده موهای سر و ذراعین یا بقیه بدن است و صحبتی از دست و صورت در روایات نیست و این، بیانگر آن است که صورت و دست، حکم لزومی نداشته اند تا مورد سؤال یا جواب قرار گیرند؛ مثلاً حضرت درباره مورد اهل تهامه و صحرا نشینان می فرمایند : اشکالی ندارد که به سرآنها نگاه کنید «لاباس بالنظر الی رؤوس اهل تهامه والاعراب ...» (43) و صحبتی از صورت نیست که مثلاً بفرمایند : اشکالی ندارد که به صورت آنها نگاه کنید؛ یا در موردی دیگر، درباره موها می فرمایند : «لاحرمة لנساء اهل الذمه ان ینظر الی شعورهن وایدیهن» (44) یا مثلاً درباره پسر نابالغ می فرمایند : سر خود از او نمی پوشاند تا موقعی که به حد بلوغ برسد؛ و صحبتی از صورت نیست. «لاتغطي المراه راسها من الغلام حتی یبلغ الغلام» (45) یا درباره دختر سؤال می کنند که از چه زمانی باید سر خود را بپوشاند : «عن الجاریه التي لم تدرك متی ینبغی لها ان تغطي راسها ...» (46) و یا درباره زنان سالخورده سؤال می کند که از چه زمانی می توانند سر، مو و ذراعین خود را ظاهر کنند و صحبتی از صورت نیست : «یساله عن القواعد النساء التي بلغت جازلها ان تکشف راسها و ذراعها ...» (47) و همچنین درباره کسی که قصد ازدواج با زنی یا خریدن کنیزی را دارد، روایات زیادی هست مبنی براین که می تواند به محاسن، موها و مقداری از بدن او نگاه کند و خصوص صورت و دست نیست : «عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت اینظر الرجل الی المرأة یرید تزویجها فینظر الی شعرها و محاسنها؟ قال : لاباس بذلك اذالم یکن متلذذا ...» (48)

دلیل ششم : آیه قواعد : «والقواعد من النساء اللاتی لایرجون نکاحا فلیس علیهن جناہ ان یضعن ثیابهن غیر متبرجات بزینة وان یتعففن خیرلهن واللہ سمیع علیم» (49)

زن سالخورده که امیدی به ازدواج ندارد، اشکالی ندارد که مقداری از لباس خود را زمین بگذارد؛ که به ضمیمه روایات، منظور از لباس، همان خمار و جلباب است.

در این باب گویا صورت و دست مفروغ عنه بوده اند؛ چون که اگر ثیاب را به معنای اصل خود کلمه معنا کنیم لباس منظور است و کسی با لباس صورت را نمی پوشاند و اگر به واسطه روایات، خمار را معنا کنیم باز به وسیله خمار، صورت را نمی پوشانند؛ زیرا آن قدر بزرگ نیست که صورت را بپوشاند و اگر منظور از ثیاب، مجموع خمار و جلباب باشد باز به نظراً جلباب برای پوشاندن صورت نیست، بلکه برای حفظ سراسری بدن و حجم بدن است و صورت را با آن نمی پوشانند. بله، عده ای فرموده اند که به وسیله جلباب صورت را می پوشانند

مرحوم آیت الله بروجردی - رضوان الله علیه - اشکال کرده اند که اصحاب از روایات عدم وجوب پوشش صورت و دست اعراض کرده اند و به آنها عمل نکرده اند. از این رو، هر چند روایات دلالت بر عدم وجوب پوشش صورت و دست دارند، اما اعراض اصحاب مانع است.

جواب : اولاً، عده زیادی از اصحاب، متعرض مساله پوشش و حجاب به صورت مستقل نشده اند، هرچند که در باب نماز و مقدار پوشش واجب در نماز، مقداری و در مساله نکاح و نگاه، مقداری منحصر بحث کرده اند اما صرف نظر از نماز و نگاه، درباره خود مساله پوشش بدن و استثنای صورت و دست بحث نکرده اند. در نتیجه، اعراض این چنین که اصلاً متعرض مساله نشده اند، قابل منع نیست و ثانیاً، عده ای از فقها فتوی به عدم وجوب پوشش صورت و دست داده اند. از آن جمله : مرحوم شیخ طوسی - رحمه الله - در نهایه، تبیان، تهذیب، استبصار، (50) مرحوم شیخ انصاری - ره - در رساله نکاح. (51)

و المرسل - ما يحل ان يرى من المرأة اذا لم يكن محرما؟ قال الوجه والكفان و القدمان - والارسال غير قادح لاعتضاده بالاصل وفتوى جماعه به كالکينى والشيخ فى النهايه والتبيان و کتابى الحديث و ط ک و سبطه فى الشرح وجماعه من متاخرى المتاخرين مط والمحقق الثانى والمص فى مع ومة فى جملة من كتبه واللمعه ووضه فى الجملة و نسبه الصيمرى فى ج يع الى الاكثر قلا يقدر فيه الاتسمال على القدمين المجمع على عدم جواز النظراليها (52)

در خاتمه، قول به عدم لزوم پوشش صورت تايبید مى شود به :

- 1- در نماز، پوشاندن صورت و دست واجب نیست و فرقى هم نیست بين اين که ناظرى باشد يا نباشد. مرحوم صاحب جواهر - رضوان الله تعالى عليه - مى فرمايد : «و قد ظهر من ذلك كله - بحمدلله - ما يجب على المرأة ستره للصلاة من غير فرق بين وجود الناظر و عدمه و ما لايجب» (53) بسيار بعيد است که در نماز که اشرف حالات مؤمن است، حتى باوجود ناظر، پوشاندن صورت و دست واجب نباشد و درغير نماز، واجب باشد، هرچند که ممکن است که حکم، مخصوص به نماز باشد و در غير نماز حکم ديگرى باشد.
- 2- در حال احرام، پوشاندن صورت برای زن حرام است، البته اگر چيزى روى صورت بيندازند و الا اگر با فاصله چيزى را جلوى صورت بگيرند اشکالى ندارد. اما چگونه در غير احرام واجب باشد، هرچند که حکمت حکم در احرام بيان شده که چشيدن حرارات خورشيد است و ممکن است حکم، مخصوص احرام باشد.

پى نوشت ها :

- 1- ر.ک : حر عاملي، وسائل الشيعه، ج 14، مقدمات نکاح، باب 24، ج 6، (تهران : مکتبه الاسلاميه، 1402
- 2- در تشبيه کردن زن به عورة هيچ گونه قبضى نیست، چون که عورة يعنى هرچيزى که بايد پوشيده باشد وانسان از اظهار کردن آن حيا دارد.
- 3- آية الله بروجردي، نهاية التقرير فى الصلاة، ج 1، ص 134
- 4- وسائل الشيعه، پيشين
- 5- نهاية التقرير فى الصلاة، پيشين
- 6- وسائل الشيعه، پيشين، باب 109، ص 146
- 7- آية الله خويي، مستندالعروه، ج 1، (قم : منشورات مدرسه دارالعلوم، 1367)، ص 57
- 8- مرحوم فيض کاشاني، فروع کافي، ج 5، ص 521
- 9- شهيد مطهري، مساله حجاب، (تهران : صدرا، ص 184
- 10- مرحوم صدوق، الفقيه، ج 3، باب شهادة على المرأة، (بيروت : دارصعب، 1401 ق.)، ص 40
- 11- مستندالعروه، پيشين، ص 63
- 12- مستندالعروه، پيشين، ص 63
- 13- زمخشري، کشاف، ج 3، (بيروت : دارالکتب العربي، بی تا)، ص 560
- 14- مجمع البيان، طبرسي، ج 4، حلي، (تهران : مکتبه الاسلاميه، 1383)، ص 370
- 15- علامه طباطبايي، الميزان، ج 18، (قم : جامعه مدرسين)، ص 338

- 16 و 17- شهیدثانی، مسالک، ج 1، چ 1، ص 134 و ص 436
- 18- مستند عروه، پیشین، ص 60
- 20- مگر در حالت احرام، آن هم به صورتی که روی خود را صورت را بگیرد.
- 21- کشاف، پیشین، ص 230
- 22- مجمع البیان، پیشین، ص 138
- 23- المیزان، پیشین، ج 15، ص 111
- 24- مستندالعروه، پیشین، ص 54
- 25- مجمع البیان، پیشین
- 26- المیزان، پیشین
- 27- شیخ طوسی، تبیان، ج 7، چ 1، (قم : مكتبة الاعلام الاسلامي، 1409)، ص 429
- 28- مستمسک العروة، آیت الله حکیم، ج 5، (کتابخانه آية الله نجفی مرعشی، 1406)، ص 243
- 29- المیزان، پیشین، ص 112
- 30- مجمع البیان، پیشین، ص 138
- 31- وسائل الشیعه، پیشین، ص 146
- 32- مستمسک العروة، پیشین، ص 254
- 33- وسائل الشیعه، پیشین، ص 145
- 34- بحارالانوار، پیشین، ج 101، ص 33
- 35- وسائل الشیعه، پیشین، باب 120، ص 172
- 36- روح المعانی، آلوسی، ج 18، (بیروت : داراحیاء التراث العربی، بی تا)، ص 141
- 37- وسائل الشیعه، پیشین
- 38- مستمسک العروة، پیشین.
- 39- قرب الاستاد، ج 1، باب ما یحب علی النساء فی الصلاة، ؛ بحارالانوار، پیشین، ص 34
- 40- مستمسک العروه، پیشین،
- 41- وسائل الشیعه، پیشین، ج 14، ص 231
- 42 و 43- وسائل الشیعه، پیشین، ج 2، ص 710 و ص 712
- 44- وسائل الشیعه، پیشین، ج 14 باب 113، ص 150
- 45- همان، باب 112، ص 149
- 46- همان، باب 126، ص 169
- 47- بحارالانوار، پیشین، ص 35
- 48- البرهان، ج 3، ص 152
- 49- وسائل الشیعه، پیشین، باب 36، ص 60
- 50- نور : 60
- 51 و 52- مستمسک العروه، پیشین، ص 241
- 53- ریاض المسائل، ج 2، ص 74